

دعای آرامش بخش برای لحظات تنهایی

دعای ابو حمزه ثمالی

روایت از:

امام سجاد علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- بندهٔ خوبی نبودم، ولی مرا بپذیر

إِلٰهِي

خدایا،

لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ

مرا با کیفیت ادب نکن

وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ

و مرا گرفتار تدبیر و نقشهات نکن

مِنْ آيِنَ لِيِ الْخَيْرُ

يَا رَبِّ؟

ای خدای من،

خیر و نیکی را از کجا می توانم به دست بیاورم؟

وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

در حالی که خیر و نیکی،

فقط نزد تو یافت می شود.

وَمِنْ آيِنَ لِيِ النَّجَاةُ؟

و از کجا می توانم راه نجاتی پیدا کنم؟

وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ

در حالی که نجات،

فقط با تکیه بر لطف تو ممکن است.

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنِي

عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ

نه کسی که نیکی می کند،

از کمک و رحمت تو بی نیاز می شود

وَلَا الَّذِي آسَاءَ

وَاجْتَرَا عَلَيْكَ

وَلَمْ يُرْضِكَ،

خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

و نه آن کسی که بدی می کند

و در برابر تو گستاخی می کند

و برای خشنودی تو تلاش نمی کند،

از دایره قدرت بیرون می رود.

يَا رَبِّ، يَا رَبِّ، يَا رَبِّ... (تا پایانِ نفس، تکرار شود)

ای صاحب اختیارم، ای پروردگارم، ای پرورش دهنده ام...

بِكَ عَرَفْتُكَ

تو را به وسیله خودت شناختم

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ

و تو بودی که راهنمای من برای رسیدن به خودت شدی

وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ

و مرا به سوی خود دعوت کردی

وَلَوْلَا أَنْتَ،

لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ .

و اگر کمک و راهنمایی تو نبود،

هرگز تو را نمی شناختم.

۲- چنین دوستِ با معرفتی را سپاس می گویم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ

فِي جَيْبِي

سپاس و ستایش برای خدایی است که

صدایش می‌زنم

و او جوابم را می‌دهد،

وَإِنْ كُنْتُ بَاطِلًا

حِينَ يَدْعُونِي

گرچه وقتی او مرا صدا می‌زند،

سستی و تنبلی می‌کنم.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ

فَيُعْطِينِي

و ستایش برای خدایی است که

از او درخواست می‌کنم

و او به من عطا می‌کند

وَ إِنْ كُنْتُ بَخِيلًا

حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

گرچه من

در برابر درخواست‌های او،

بُخْل و تنگ‌نظری نشان می‌دهم.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

أَنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي

و ستایش برای خدایی است که

اگر نیازی داشته باشم،

هر زمان بخواهم، صدایش می‌زنم

وَ أَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي

بِغَيْرِ شَفِيعٍ

و برای گفتنِ رازم،

هر لحظه بخواهم،

بدون هیچ واسطه‌ای

با او خلوت می‌کنم

فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي

و او مشکلم را حل می‌کند.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

لَا أَدْعُو غَيْرَهُ

ستایش مخصوص خدایی است که

کسی جز او را صدا نمی‌زنم

(و در مقابل کسی غیر از او، دستم را دراز نمی‌کنم)

وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ

لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

و اگر کسی جز او را صدا می‌زدم،

به من پاسخی نمی‌داد

(و مشکلم را حل نمی‌کرد).

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

لَا أَرْجُو غَيْرَهُ

و خداوندی را ستایش می‌کنم که

به کسی جز او امید ندارم،

وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ

لَأَخْلَفَ رَجَائِي

و اگر به کسی غیر از او

امیدوار می‌شدم،

ناامیدم می‌کرد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

وَكَلَّنِي إِلَيْهِ

فَأَكْرَمَنِي

و ستایش مخصوص خدایی است که

رسیدگی به امورم را، خودش به عهده گرفت

و بدین وسیله مرا عزیز و گرامی داشت

وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ

فِيهِنُونِي

و رسیدگی به کارهایم را به مردم واگذار نکرد

تا مرا خوار کنند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

تَحَبَّبَ إِلَيَّ

و ستایش برای خدایی است که به من محبت دارد

وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

در حالی که هیچ نیازی به من ندارد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

يَحْلُمُ عَنِّي

و ستایش برای خدایی است که

با من صبوری و بردباری می‌کند

حَتَّىٰ كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي

گویی که هیچ کوتاهی و گناهی ندارم.

فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي

آری،

پروردگارم،

در نظر من،

بیش از هر کسی،

شایستهٔ حمد و سپاس است

وَ أَحَقُّ بِحَمْدِي .

و بیش از همه،

سزاوار ستایش من است.

۳- چرا از این همه فرصت طلایی استفاده نکنم؟

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

اِنِّیْ اَجِدُّ

من می بینم که

سُبُلَ الْمَطَالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً

راهها و شیوه‌های گوناگون برای درخواست از تو،

هموار و در دسترس است

وَمَا هِيَ اِلَّا اِلَيْكَ مُتْرَعَةً

و چشمه‌های امید به درگاه تو،

لبریز و پربرکت است

وَإِلسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ

لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً

و یاری خواستن از بخشش و فضلت،

برای کسی که آرزومند تو باشد،

بلامانع است

وَ أَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً

و درهای دعا به درگاه تو،

برای کسانی که با تمام وجود تو را صدا می‌زنند،

گشوده است

وَاعْلَمُ

أَنَّكَ لِلرَّاجِي

بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ

و به خوبی می دانم

تو همواره آماده ای

که حاجتِ شخص امیدوار را

برآورده سازی

وَلِلمَّهوفينَ

بِمَرَصِدِ إِغَاثَةٍ

و از آنها که دلسوخته و گرفتارند،

فریادرسی کنی

وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَىٰ جُودِكَ

و نیز می دانم که اشتیاق به بخشش و بزرگواری تو

و الرِّضَا بِقَضَائِكَ

و رضایت به سرنوشتی که تو در نظر گرفته ای،

عِوَضًا

مِن مَّنْعِ الْبَاخِلِينَ

بهترین جایگزین است

برای چیزهایی که افرادِ بخیل دریغ می کنند

و مَنَدُوحَةً

عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثَرِينَ

و موجب بی نیازی از خودخواهان است

وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ

قَرِيبُ الْمَسَافَةِ

و می دانم کسی که به سوی تو سفر می کند،

راهش نزدیک است

(و به راحتی به تو می رسد)

وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ

و همچنین می دانم

که تو از بندگانت فاصله نمی گیری،

إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ .

مگر اینکه رفتارهای ناپسند،

آنها را از تو دور کند.

وَ قَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي

و اکنون، با درخواستم

قصد آمدن به سوی تو را کرده‌ام

و تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي

و با نیازم، به تو روی آوردم

و جَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي

و تنها از تو می‌خواهم

به فریادم برسی

و بِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي

و به وسیله دعایم

دست به دامن تو می‌شوم

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

بدون اینکه هیچ حقی داشته باشم

که به سختم توجه کنی

وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي

و بدون اینکه شایستگی داشته باشم

که از من گذشت کنی

بَلْ لِيَثِقَ بِكَرَمِكَ

ولی (با وجود این همه ضعف و بی لیاقتی)

دعا و توجّه، به خاطر اعتمادی است

که به بزرگواری ات دارم

وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ

و به خاطر اطمینانی است که به خوش عهدی ات دارم

وَلَجَأِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ

و نیز دعایم به خاطر این است

که به یگانگی تو ایمان دارم

و خود را در پناه این ایمان می بینم

وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي

و همچنین دعایم،

به خاطر آن شناخت قطعی است که درباره تو دارم

أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ

و (بر اساس آن، می دانم) مالکی جز تو ندارم

وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ

لَا شَرِيكَ لَكَ.

و هیچ خدایی غیر از تو که یگانه هستی، وجود ندارد،

و هیچ شریکی نداری.

۴- اگر بخواهم جبران کنم، می‌پذیری؟

اَللّٰهُمَّ

خدایا،

اَنْتَ الْقَائِلُ

تو چنین فرمودی

وَقَوْلِكَ حَقٌّ

و البته گفتار تو درست است

وَوَعْدُكَ صِدْقٌ :

و وعده‌ات راست است

(آری، تو از ما خواستی در دعا به کم قانع نباشیم و فرمودی:)

« وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ

»بر اساس فضل و بخشش الهی، از او درخواست کنید

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

زیرا خدا با شما مهربان است.»

وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي

همچنین ای سرورم، تو چنین روشی نداری،

أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ

وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

که به بندگان دستور دهی از تو درخواست کنند،

ولی عطای خود را از آنها دریغ کنی

وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ

عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ

زیرا تو همواره با انواع نعمت‌ها، به آفریدگانت لطف می‌کنی

وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ .

و از روی محبت و مهربانی، به آنها نیکی می‌کنی.

إِلٰهِ

خدایا،

رَبِّتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا

مرا در کودکی، با نعمت‌ها و نیکی‌هایت پرورش دادی

وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا

و در بزرگسالی، نام مرا نیکو ساختی

فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا

بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ

پس ای خدایی که مرا در دنیا

با احسان و بخشندگی و نعمت‌هایش پرورش داد

وَ أَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَ كَرَمِهِ

و در رابطه با گذشت و بزرگواری خود در حسابرسی آخرت،

روزنه‌ای از امید به من نشان داد

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ

دَلِيلِي عَلَيْكَ

ای سرور و آقای من،

شناختی که از تو دارم،

مانند یک راهنما،

مرا به تو می‌رساند

و حُبِّي لَكَ

شَفِيعِي إِلَيْكَ

و عشقی که به تو دارم،

واسطه من برای رسیدن به توست

وَ أَنَا وَاثِقٌ مِّن دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ

و من برای آمدن به سوی تو،

از این راهنمایی که دارم (یعنی معرفتِ تو)،

مطمئن هستم

وَ سَاكِنٌ مِّن شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ .

و برای رسیدن به وصالِ تو،

آرامشِ خاطر دارم که آن واسطه

(یعنی عشق و محبتم نسبت به تو)

به خوبی عمل می‌کند.

(بنابراین برای اینکه به تو برسم، از هر دو راه «شناخت» و «عشق» استفاده می‌کنم،

تا «عقل» و «قلب» من، هر دو در این مسیر، مرا یاری کنند.)

۵- اگر هم مرا نبخشی، حق با توست

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي

بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ وَذَنْبُهُ

سرورم،

با زبانی تو را صدا می زنم

که سنگینی گناهش، آن را بند آورده

رَبِّ أَنْاجِيكَ بِقَلْبِي

قَدْ أَوْبَقَهُ وَجُرْمُهُ

پروردگارا،

من با دلی به راز و نیاز با تو آمده‌ام

که خطایش او را به هلاکت کشانده

(و لیاقتِ مناجات را از او گرفته)

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ

رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا

پروردگارا، تو را صدا می‌زنم

با هراس، اشتیاق، امید و ترس

إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي ،

فَرَعْتُ

سرورم،

آن هنگام که گناهانم را می‌بینم،

هراسان می‌شوم

وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ ،

طَمَعْتُ

و زمانی که بخشش و بزرگواری تو را می‌بینم،

طمع می‌کنم

فَإِنْ عَفَوْتَ ،

فَخَيْرٌ رَّاحِمٍ

اکنون اگر ببخشی ،

(این بخشش ، در شأنِ توست و)

تو بهترین رحم‌کننده‌ای

وَإِنْ عَدَّبْتَ ،

فَعَيْرٌ ظَالِمٍ .

و اگر مجازاتم کنی ،

ستم نکرده‌ای

(زیرا من واقعاً سزاوارِ مجازاتم).

حُجَّتِي يَا اللَّهُ

فِي جُرَاتِي عَلَى مَسَالَتِكَ

مَعَ إِتْيَانِي مَا تَكَرَّرَهُ،

جودُكَ وَ كَرَمُكَ

خدایا، می دانم کارهایی انجام داده‌ام که خوشایند تو نیست،

ولی اینکه دوباره جرات می‌کنم از تو درخواست کنم،

به خاطر بخشش و بزرگواری توست

وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي

مَعَ قِلَّةِ حَيَاتِي،

رَأْفَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ

و هرچند شرم و ادب من در برابر تو کم است،

ولی باز هم ذخیره من در سختی‌ها، محبت و مهربانی توست .

وَ قَدْ رَجَوْتُ

أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَ ذَيْنِ مُنِيَّتِي

و امیدوارم که به خاطر این رفتارهای متضاد من،

آرزویم ناکام نشود

فَحَقِّقْ رَجَائِي

پس امیدم را برآورده کن

وَ اسْمَعْ دُعَائِي

و به دعایم توجه کن

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

ای بهترین کسی که دعاکنندگان، صدایش می‌زنند

وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و ای والاترین کسی که امیدواران، به لطفش امید می‌بندند.

عَظْمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي

سرورم،

آرزوی من بزرگ است

وَسَاءَ عَمَلِي

ولی رفتارم زشت است

فَاعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ

اکنون به اندازه امیدم،

از من گذشت کن

وَلَا تُؤَاخِذْنِي

و مرا (همچون کافران)

براساس بدترین رفتارهایم، کیفر نکن

بِأَسْوَأِ عَمَلِي

فَإِنَّ كَرَمَكَ

يَجِلُّ عَنِ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ

زیرا شأنِ بزرگواری تو،

بالاتر است از اینکه

گناهکارانِ بی‌مقدار را مجازات کنی

وَ جِلْمَكَ

يَكْبُرُ عَنِ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ .

و بردباری تو،

بزرگتر است از اینکه

بندگانِ مقصر را تنبیه کنی.

۶- همواره از محبت و گذشتِ تو

سوء استفاده کردم

وَ أَنَا يَا سَيِّدِي

و من، ای سرورم،

عَائِدٌ بِفَضْلِكَ

به فضل و بخششِ تو پناه می آورم

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و از خشمِ تو، به سوی مهرِ تو فرار می کنم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ

عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و انتظار دارم وعده‌هایت را عملی کنی

و از خطای کسی که به تو خوش‌بین است،

چشم‌پوشی کنی،

وَمَا أَنَا يَا رَبِّ؟

وَمَا خَطْرِي؟

و خدایا،

من اصلاً چه هستم؟

و چه ارزشی دارم؟

(که تو بخواهی مرا عذاب کنی)

هَبْنِي بِفَضْلِكَ

مرا با فضل و عنایت خود ببخش

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و عفو و گذشت خود را،

همچون صدقه‌ای به من عطا کن.

آی رَبِّ

جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ

آری، ای پروردگار من،

با پرده‌پوشی خودت،

مرا بپوشان

وَاعْفُ عَن تَوْبِيحِي

بِكْرَمِ وَجْهِكَ

و به حقّ ذاتِ بزرگواریت،

از کیفر من گذشت کن

فَلَوْ أَطَّلَعَ الْيَوْمَ

عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ

مَا فَعَلْتُهُ

آری، اگر امروز کسی جز تو

از گناهم آگاه می شد،

آن را انجام نمی دادم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ

لَأَجْتَنَّبْتُهُ

و اگر از کیفرِ سریعِ خطایم می ترسیدم،

از آن خودداری می کردم

لَا لِأَنَّكَ أَهَوْنُ النَّاظِرِينَ

اما این رفتار

(که در برابر نگاهت گناه کردم)

از این جهت نبود

که تو از همه کسانی که مرا می بینند،

ارزش کمتری داری

وَآخَفُ الْمُطَّلِعِينَ

و از سایر افرادی که مطلع می شوند،

مقامت پایین تر است؛

بَلْ لَأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ

بلکه خدایا،

گناه من از این جهت بود که تو بهترین خطاپوش هستی

وَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و حکم تو از حکم هر داوری، دقیق تر و بالاتر است

(زیرا شرایط خاص هر یک از بندگان گنهگار را

در حکم و داوری خود لحاظ می کنی)

وَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

(و قطعاً شأن تو از افراد بیننده و مطلع، کمتر نیست، بلکه)

تو از هر عزیزی، گرامی تری

سَتَّارُ الْعُيُوبِ

پوشانندهٔ عیب‌ها و ایرادهایی،

غَفَّارُ الذُّنُوبِ

آمرزندهٔ گناهانی،

عَلَّامُ الْغُيُوبِ

از تمام امور پنهان، آگاهی

(و از همهٔ زمینه‌های پیدایش گناه، باخبری)

تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ

با بزرگواری‌ات، گناه را نادیده می‌گیری

وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ

و به خاطر بردباری‌ات، مجازات را به تأخیر می‌اندازی

فَلْكَ الْحَمْدُ

پس تو سزاوارِ ستایشی،

عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

چرا که از گناه باخبری، ولی بردباری می‌کنی،

وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ

و می‌توانی تنبیه کنی، ولی گذشت می‌کنی،

وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ،

حِلْمُكَ عَنِّي

و این بردباری تو نسبت به من

مرا به سمت نافرمانی از تو می‌کشاند

و در انجام گناه جسور می‌کند

وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ

سَتْرُكَ عَلَيَّ

و پرده پوشی ات بر گناهم،

موجب می شود شرم و ادبم کاسته شود

(و هر بار راحت تر از گذشته، دست به خطا بزنم)

وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوَتُّبِ عَلَى مَحَارِمِكَ

مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ

وَعَظِيمِ عَفْوِكَ .

و شناخت من از رحمت گسترده

و گذشت بی پایان تو،

باعث می شود که با سرعت و شتاب بیشتری،

حریم های تو را بشکنم.

۷- نیازمند رحمتِ گستردهٔ تو هستم

یا حَلِيمٌ یا گَرِيْمٌ

ای بردبار و ای بزرگووار

یا حَيُّ یا قَيُّوْمٌ

ای زنده و ای پاینده

یا غَافِرَ الذَّنْبِ

ای آمرزندهٔ گناه

یا قَابِلَ التَّوْبِ

ای پذیرندهٔ توبه

یا عَظِيْمَ المَنِّ

ای صاحبِ لطفِ بزرگ

یا قَدِيْمَ الإِحْسَانِ

ای کسی که از آغاز، بخشنده بودی

أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَمِيلُ

کجاست آن پرده‌پوشی زیبایت؟

أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ

کجاست گذشتِ بزرگت؟

أَيْنَ فَرْجُكَ الْقَرِيبُ

کجاست فرج و گشایشِ نزدیکت؟

أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ

کجاست فریادرسیِ سریعّت؟

أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ

کجاست رحمتِ گسترده‌ات؟

أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ

کجاست بخشش‌های ممتازت؟

أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةَ

کجاست هدایای دلنشین و گوارایت؟

أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةَ

کجاست نیکی‌های ارزشمندت؟

أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ

کجاست فضل و بخشش بزرگت؟

أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ

کجاست عطای بی‌اندازه‌ات؟

أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ

کجاست احسانِ همیشگی ات؟

أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ

و کجاست بزرگواری ات،

ای ارجمند؟

بِهِ فَاسْتَنْقِذْنِي

اینک به حقّ این کرم و بزرگواری ات،

مرا نجات بده

و بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي .

و به حقّ رحمت،

مرا (از همه گرفتاری‌ها) خلاص کن.

۸- من روی کارهایم، هیچ حساسی باز نکرده‌ام

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ

ای نیکوکار، ای خوش‌رفتار

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ

ای نعمت‌دهنده، ای افزون‌کننده

لَسْتُ أَتَّكِلُ

فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ

عَلَى أَعْمَالِنَا

من برای نجات از مجازات تو،

به کارهایی که ما بندگان انجام می‌دهیم، تکیه نمی‌کنم

بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا

بلکه به فضل و بخششی که بر ما داری،

اعتماد کرده‌ام

لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

زیرا تو شایسته هستی

که حرمتت را رعایت کنیم

و شأن تو آمرزش است

تُبَدِيءُ بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا

تو با نعمت بخشی خود،

نیکی را آغاز می کنی

وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا

و با بزرگواری خود،

از گناه گذشت می کنی

فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ

اکنون ما نمی دانیم

به خاطر کدام لطف،

از تو تشکر کنیم

أَجْمِيلَ مَا تَنْشُرُ

آیا برای اینکه ما را در نظر دیگران،

خوب جلوه می دهی،

سپاس بگوییم؟

أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ

یا به خاطر اینکه زشتی های ما را

از چشم دیگران می پوشانی؟

أَمَّ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ

وَ أَوْلَيْتَ

یا به خاطر نعمت‌های بزرگی

که ما را به وسیله آنها آزمودی

و نیکی‌های فراوانی

که در حق ما انجام دادی؟

أَمَّ كَثِيرًا مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ

وَ عَافَيْتَ

یا به خاطر مشکلات زیادی

که ما را از آنها نجات دادی

و به ما سلامتی و راحتی بخشیدی؟

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ

ای دوستِ کسانی که به تو عشق می‌ورزند

و يَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَأَذَبِكَ

وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ

و ای دلخوشی کسانی که به سوی تو پناه می‌آورند

و فقط به تو دل بسته‌اند

أَنْتَ الْمُحْسِنُ

وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ

نیکوکار تو هستی،

و بدکار ما ایم

فَتَجَاوَزِ يَا رَبِّ

عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا

بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ

پس خدایا،

با آن زیبایی‌هایی که نزد توست،

از زشتی‌های ما،

گذشت کن

وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ

لَا يَسَعُهُ وَجُودُكَ؟

و ای خدای من،

کدام خطا و نادانی ماست،

که بخشش تو شامل آن نشود؟

أَوْ أَيْ زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ أُنَاتِكَ؟

و به راستی چه مهلتی،

از زمانِ بردباری تو، طولانی‌تر است؟

وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا

فِي جَنبِ نِعْمِكَ؟

و همهٔ اعمالِ خیر ما،

در کنارِ لطف و نعمت‌های تو،

چه وزن و ارزشی دارد؟

وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا

نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ؟

و چگونه می‌توانیم اعمالِ خیرِ خود را زیاد بدانیم

و آنها را در برابرِ بزرگواری بی‌کرانت،

چیزی به حساب آوریم؟

بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَيَّ الْمُذْنِبِينَ

مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ؟

یا چگونه ممکن است

رحمت گسترده تو،

برای گناهکاران، محدود شود؟

يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

ای خدایی که آمرزش او،

گسترده است

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ.

و ای کسی که دستش

برای مهربانی و بخشش، باز است.

۹- تو ما را نا امید نمی کنی

فَوَعِزَّتِكَ

یا سیدی

اینک، ای سرورم،

به عزت تو سوگند،

لَوْ نَهَرْتَنِي

که اگر مرا از خودت برانی،

مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

به هیچ وجه از در خانه ات دور نمی شوم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از تعریف و تمجید صفات زیبای تو دست نمی کشم

لِمَا أَنْتَهِى إِلَيَّ

مِنَ الْمَعْرِفَةِ

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

و این به خاطر شناختی است

که نسبت به بخشش و بزرگواری تو

پیدا کرده‌ام

وَأَنْتَ الْفَاعِلُ

لِمَا تَشَاءُ

در حالی که تو

(بر اساس حکمت و مصلحت خود)

هرچه بخواهی انجام می‌دهی

تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ

بِمَا تَشَاءُ

كَيْفَ تَشَاءُ

هر که را بخواهی

به هر اندازه و به هر صورتی که بخواهی،

مجازات می‌کنی

و تَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ

بِمَا تَشَاءُ

كَيْفَ تَشَاءُ

و هر که را بخواهی

به هر اندازه و به هر صورتی که بخواهی،

مورد رحمت خود قرار می‌دهی

لَا تُسَالُ عَن فِعْلِكَ

کسی نمی‌تواند دربارهٔ کارهایت،
از تو بازخواست کند

وَلَا تُنَازِعُ فِي مَلِكِكَ

و کسی نمی‌تواند در فرمانروایی‌ات،
با تو رقابت کند

وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ

و کسی نمی‌تواند در کارها و فرمان‌هایت،
با تو شریک شود

وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و کسی نمی‌تواند دربارهٔ حکم و داوری‌ات،
در مقابل تو بایستد

وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ

و کسی نمی‌تواند در برنامه‌ریزی و تدبیرت،
به تو اعتراض کند

لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ

در تمام هستی،

آفرینش و فرمان در اختیار توست

تَبَارَكَ اللَّهُ

پُرْبَرَكْتَ است کارِ خداوند،

رَبُّ الْعَالَمِينَ.

که پروردگار جهانیان است.

يَا رَبِّ

پروردگارا،

هُذَا مَقَامٌ مِّنْ لَّاذٍ بِكَ

من در جایگاه کسی ایستاده‌ام،

که دست به دامن تو شده

وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ

و به بزرگواری و کرم تو پناه آورده

وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعَمِكَ

و با نیکی‌ها و نعمت‌های تو انس گرفته

وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي

لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ

و تو همان بخشنده‌ای هستی

که عفو و گذشت تو،

محدود نمی‌شود

و لَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ

و فضل و بخشش تو،

کم نمی‌شود

و لَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ

و رحمت و مهربانی‌ات،

کاهش نمی‌یابد

وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ

بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ

وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ.

و ما به چشم پوشی همیشگی

و فضل و بخشش بزرگ

و رحمت گسترده‌ات،

کاملاً اعتماد داریم.

أَفْتُرَاكَ يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا

پروردگارا، آیا ممکن است

بر خلاف اعتقادی که درباره تو داریم، با ما رفتار کنی؟!

أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنا؟

یا امید ما را ناامید کنی؟!

كَلَّا يَا كَرِيمُ

هرگز امکان ندارد، ای خدای بزرگوار

فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ

و ما چنین اعتقادی راجع به تو نداریم

وَلَا هَذَا فَيْكَ ظَمَعُنَا .

و انتظار ما درباره تو این گونه نیست.

۱۰- از سوی تو فقط خوبی،

از سوی ما فقط بدی!

يَا رَبِّ

إِنَّ لَنَا فِيكَ

أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا

پروردگارا،

ما نسبت به تو،

آرزوهای طولانی و فراوان داریم

إِنَّ لَنَا فِيكَ

رَجَاءً عَظِيمًا

ما به لطفِ تو،

امیدی بزرگ داریم

عَصِيْنَاكَ

وَنَحْنُ نَرْجُو أَن تَسْتُرَ عَلَيْنَا

ما در برابر تو نافرمانی کردیم،

ولی امیدواریم که گناه ما را بپوشانی

وَدَعَوْنَاكَ

وَنَحْنُ نَرْجُو أَن تَسْتَجِيبَ لَنَا

و تو را صدا زدیم

و امیدواریم که دعای ما را جواب دهی

فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا

پس ای مولای ما،

امیدمان را برآورده ساز

فَقَدْ عَلِمْنَا

مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا

و البته ما خودمان می دانیم که به خاطر کردارمان،

سزاوار چه مجازاتی هستیم

وَلَكِنِ عِلْمُكَ فِينَا وَ عَلِمْنَا

بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

ولی شناخت تو درباره ما

و همچنین شناخت ما از تو

این چنین است که تو هیچ گاه

ما را با دستِ خالی از درگاهت بر نمی گردانی

وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ

هرچند ما سزاوار لطف و رحمت نباشیم.

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا

وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ

بِفَضْلِ سَعَتِكَ

آری، تو شایسته‌ای

که با فضل و بخشش گسترده‌ات،

بر ما و بر همه گناهکاران، احسان کنی،

فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ

اکنون مطابق شایستگی خودت به ما لطف کن

وَجُدْ عَلَيْنَا

و بخشش خود را شامل حال ما کن

فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ .

زیرا ما به عطای تو نیازمندیم.

يَا غَفَّارُ

ای خدای آمرزنده،

بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا

ما با نور تو، هدایت یافتیم

وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا

و با فضل و بخشش تو، بی نیاز شدیم

وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَآمَسْنَا

و با نعمت تو، شب و روز را گذراندیم

ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

گناهان ما در برابر تو نمایان است

نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا

خدایا، از تمام آنها به درگاہت آمرزش می خواهیم

وَنَتُوبُ إِلَيْكَ

و به سوی تو بازمی گردیم

تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ

تو با نعمت‌های پی‌درپی،

مهربانی خود را شامل حال ما می‌کنی

و نُعَارِضُكَ بِالدُّنُوبِ

ولی ما لطف تو را،

با انجام گناهان،

پاسخ می‌دهیم

خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ

خیر تو به سوی ما سرازیر است

و شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ

ولی بدی ما به سوی تو بالا می‌آید

وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ

مَلَكٌ كَرِيمٌ

يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ

و پی‌درپی فرشته‌ای بزرگوار،

کرداری زشت از سوی ما برای تو می‌آورد

فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ

مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ

ولی این همه گناه، مانع نمی‌شود

از اینکه ما را غرق نعمت‌هایت کنی

وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِآلَائِكَ .

و با بخشش‌های خود به ما محبت کنی.

۱۱ - خدای من؛ نزدیکترین فریادرس

فَسُبْحَانَكَ

خدایا، تو از هر گونه شرک و از هر نوع تصوّری، بالاتری

مَا أَحْلَمَكَ وَاعْظَمَكَ وَآكْرَمَكَ

مُبْدئًا وَمُعِيدًا

تو چقدر بردبار و بزرگ و بزرگواری،

که آفرینش را آغاز می‌فرمایی

و دوباره آن را تکرار می‌کنی

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

نام‌هایت مقدّس‌اند

وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ

و صفاتِ خوب تو، والاست

وَ كَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَ فِعَالُكَ

و ساخته‌ها و کارهای تو، بسیار ارزشمند است.

أَنْتَ إِلَهِي

أَوْسَعُ فَضْلًا

وَاعْظَمُ حِلْمًا

مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي

تو ای خدای من،

فضل و بخشش گسترده‌تر

و بردباری‌ات بزرگ‌تر است

از اینکه ارزش مرا بر اساس کارهای زشت و خطاهایم،

محاسبه کنی

فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ

پس گذشت کن، گذشت کن، گذشت کن،

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي .

سرورم، سرورم، سرورم.

اَللّٰهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ

خداوندا،

ما را با یاد خودت مشغول کن

وَ اَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ

و از خشمت پناهمان بده

وَ اَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ

و از عذابت نجاتمان ببخش

وَ ارزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ

و از لطف و بخشش‌های خود به ما روزی بده

وَ اَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل و بخشش خود به ما هدیه بده

وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ

و حجّ خانهات را روزي ما كن

وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

و نيز زيارت مرقدِ پيامبرت،

صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ

وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ

عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

كه صلوات و رحمت

و آمرزش و خشنودي تو

بر او و خاندانش باد

إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

زيرا تو نسبت به بندگانت نزديكي،

و دعایشان را مي پذيري.

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ

و روزی ما کن

که به دستورات تو عمل کنیم

وَتَوْفَّنَا عَلَىٰ مِلَّتِكَ

وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

و ما را در حالی از دنیا ببر

که به دین تو،

و به راه و روش پیامبرت،

که درود خدا بر او و خاندانش باد

مؤمن و پای بند باشیم.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ

خداوندا،

مرا و پدر و مادرم را ببامرز

وَ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيْرًا

و همان طور که مرا در کودکی، در دامن خود پرورش دادند،

به آنها رحم کن

اِجْزِهِمَا بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا

هر گونه نیکی را که آنها در حق من کرده‌اند،

با نیکی، پاداش بده

وَ بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا

و بدی‌هایشان را با آمرزش، جزا بده.

اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ

لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

خداوندا،

مردان و زنان مؤمن را بیمارز

الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ

چه اشخاص زنده آنها و چه مردگان

وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ .

و به وسیله کارهای نیکی

که به ما توفیق می دهی،

ما را پیرو آنها قرار بده.

اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ

لِحَيَاتِنَا وَ مَيِّتِنَا

خدایا،

زندگان و مردگان ما را ببامرز

وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا

و نیز حاضران و غایبان ما،

ذَكَرْنَا وَ اُنْثَانَا

و مردان و زنان ما،

صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا

و افراد کوچک و بزرگ ما

حُرِّرْنَا وَ مَمْلُوكِنَا

و همچنین اشخاص آزاد و زبردستان ما را ببامرز

۱۲- آن طور که خودت دوست داری، تربیت کن

كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ

کسانی که برای خدا جایگزین در نظر گرفتند، دروغ گفتند

وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

و سخت گمراه شدند

وَ خَسِرُوا خُسْرَانًا مُّبِينًا.

و دچار زیان جدی شدند.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

خدایا، درود فرست بر محمد و خاندان محمد

وَ اٰخِرِمْ لِيْ بِخَيْرٍ

و عاقبت مرا، ختم به خیر گردان

وَ اَكْفِنِيْ مَا اَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ

و تدبیر کارهای مهم دنیا و آخرت مرا، خودت به عهده بگیر

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي

و کسی را که به من رحم نمی کند،

بر من مسلط نساز

وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً

و از جانب خودت،

نگهبانی همیشگی برای حفاظت از من قرار بده

وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و نعمت های شایسته ای را که به من بخشیده ای،

از من نگیر

وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ

رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا.

و از فضل و عنایت خویش،

روزی فراوان و حلال و پاکیزه ای نصیبم کن.

اَللّٰهُمَّ اَحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ

خدایا، با نگهبانی خود،

از من نگهبانی کن

وَ اَحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ

و با حفاظت ویژه‌ات،

مرا نگهدار

وَ اَكْلَانِي بِكِلَائَتِكَ

و با حمایت خاص خود،

از من حمایت کن

وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و حجّ خانه‌ات را روزی من کن

فِي عَامِنَا هَذَا

وَ فِي كُلِّ عَامٍ

در امسال و سال‌های آینده

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

وَالْأئِمَّةِ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و همچنین زیارتِ مرقدِ پیامبرت

و امامان علیهم السلام را

روزی ام کن

وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ

مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ

وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ .

و ای خدا، از تو می خواهم

که جای من در این زیارتگاه های شریف

و مکان های گرانقدر

خالی نباشد.

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

تُب عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيَكَ

مرا به توبه‌ای موفق کن که دیگر نافرمانی‌ات نکنم

وَأَهْمِنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ

وَأَخَشِيَتَكَ

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي

و به قلبم الهام کن

که تا پایان زندگی و در تمام لحظات شبانه‌روز،

خیر و خوبی و اراده عمل به آن را دنبال کنم

و از بزرگی و عظمت تو بترسم

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ای پروردگار جهانیان.

۱۳- نکند از چشم افتاده باشم

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

اِنِّیْ کُلَّمَا قُلْتُ

قَد تَهَيَّأْتُ

وَتَعَبَّأْتُ

من هر زمان که گفتم

این بار، دیگر (برای بندگی) مهیّا و آماده شدم

وَقُمْتُ لِصَّلَاةٍ بَيْنَ يَدَيْكَ

وَنَاجَيْتُكَ

و هر بار که در برابرت به نماز ایستادم

و با تو راز و نیاز کردم

أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا

إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ

(گویی که مرا لایق ندانستی و)

در همان زمان که وارد نماز شدم،

حالتِ خواب‌آلودگی

بر من انداختی،

وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ

إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

و در آن هنگام

که با تو راز و نیاز کردم،

حالی مناجات را از من گرفتی،

مَا لِي كَلَّمَا قُلْتُ

قَدْ صَلَّحْتَ سَرِيرَتِي

چه اتفاقی افتاده که هر بار می گویم

دیگر باطن من اصلاح شده

وَقَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي ،

و به جایگاه توبه کنندگان ، نزدیک شده ام ،

عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ

أَزَالَتْ قَدَمِي

برایم یک گرفتاری پیش می آید

که بر اثر آن پایم می لغزد

وَحَالَتُ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ ؟

و نمی گذارد (همچون بنده ای شایسته)

در خدمت تو باشم ؟

سَیِّدِی

سرورم،

لَعَلَّكَ عَن بَابِكَ طَرَدْتَنِي

نکند مرا از درگاهت رانده‌ای

وَ عَن خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي

و از خدمتگزاری خودت، برکنارم کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ

فَأَقْصَيْتَنِي

یا نکند مرا دیده‌ای

که حق تو را سبک می‌شمارم

و مرا از پیشگاهت دور ساخته‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

مُعْرِضًا عَنْكَ

فَقَلَيْتَنِي

یا شاید دیده‌ای

که از تو روی گردان هستم

و مرا مورد خشم قرار داده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي

فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ

فَرَفَضْتَنِي

یا شاید مرا دیده‌ای

که در جایگاهِ دروغگویان هستم

و در نتیجه مرا رها کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ

فَحَرَمْتَنِي

یا شاید مرا دیده‌ای

که نسبت به نعمت‌هایت ناسپاسم

و محرومم ساخته‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي

مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ

فَخَذَلْتَنِي

یا شاید دیده‌ای

که با دانشمندان همنشینی نمی‌کنم

و خوارم کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

فِي الْغَافِلِينَ

فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي

یا شاید مرا دیده‌ای

که در میان غافلان هستم

و از رحمتت ناامیدم ساخته‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

أَلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ

فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَنِي

یا شاید دیده‌ای

که در مجالسِ افرادِ بی‌کاره، به امور بیهوده می‌پردازم

و مرا به آنها واگذار کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ

أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي

فَبَاعَدْتَنِي

یا شاید (به خاطر گناهانم)

دوست نداشته‌ای که دعایم را بشنوی

و در نتیجه مرا از خودت دور کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَ جَرِيرَتِي كَافِيَتَنِي

یا شاید به علت جرم و گناهانم،

کیفرم کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَازِيَتَنِي

یا شاید به خاطر اینکه شرم و ادبم در برابر تو کم بوده،

مجازاتم کرده‌ای.

فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ

پس خدایا،

(با این وضعیتی که دارم)

اگر از من گذشت کنی،

فَطَالَ مَا عَفَوْتَ

عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي

(چنین لطفی، بی سابقه نیست و)

قبلاً هم از گناهکاران بسیاری گذشت کرده‌ای

لِأَنَّ كَرَمَكَ أَي رَبِّ

يَجُلُّ عَنِ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

زیرا ای خدای من،

شان بزرگواری و کرم تو،

بزرگتر از این است

که افراد مقصر را مجازات کنی.

وَ أَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ

و من به فضل و بخششی تو پناه آورده‌ام

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و از خشم تو،

به سوی مهر خودت فرار می‌کنم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ

عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا .

و انتظار دارم به وعده‌ گذشت خود وفا کنی

و از کسی که به تو خوش‌بین است،

چشم‌پوشی فرمایی

۱۴- من چیستم و چه ارزشی دارم؟!

إِلٰهِ أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا

وَأَعْظَمُ حِلْمًا

مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي

أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي .

خدایا، فضل و عنایت تو گسترده‌تر

و بردباری‌ات بزرگتر است،

از اینکه ارزش مرا بر اساس رفتارم محاسبه کنی

یا مرا به سبب خطایم دچار لغزش کنی

(به طوری که هر گناه، زمینه گناه بعدی شود).

وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَ مَا خَطْرِي ؟

سرورم، مگر من چه هستم؟

و چه ارزش و جایگاهی دارم؟

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي

اینک ای سرورم،

مرا با فضل و عنایتِ خود ببخش

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و با عفو و گذشتِ خود،

مهربانی‌ات را به من صدقه بده

وَجَلِّئْ لِي بِسِتْرِكَ

و با پوشاندنِ خطاهایم،

مرا عزیز و گرامی بدار

وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي

بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و با بزرگواری‌ات،

از سرزنشِ من گذشت کن.

سیدی

سرورم،

أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ

من همان بنده کوچکی هستم

که او را پرورش دادی

وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ

و همان نادانی هستم

که او را آموزش دادی

وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ

و همان گمراهی هستم

که هدایتش نمودی

وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَ

و همان فرد بی ارزشی هستم

که مقامش را بلند کردی

وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَ

و همان بنده ترسانی هستم

که به او امنیت و آرامش بخشیدی

وَ الْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَ

و همان گرسنه‌ای هستم

که سیرش کردی

وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ وَ

و همان تشنه‌ای هستم

که سیرابش کردی

وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ،

و همان برهنه‌ای هستم

که او را پوشاندی

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ،

و همان فقیری هستم

که بی‌نیازش ساختی

وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ،

و همان ناتوانی هستم

که نیرومندش کردی

وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ،

و همان بنده‌ خوار و ذلیلی هستم

که عزیزش فرمودی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ

و همان بیماری هستم

که شفایش دادی

وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ

و همان نیازمندی هستم

که از عطایت به او بخشیدی

وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ

و همان گناهکاری هستم

که گناهش را پوشانیدی

وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ

و همان خطاکاری هستم

که خطایش را نادیده گرفتی

وَإِنَّا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ

و همان فرد ناچیزی هستم

که تو ارزش او را افزودی

وَالْمُسْتَضَعُ الَّذِي نَصَرْتَهُ

و همان ناتوانی هستم

که تو یاری اش کردی

وَإِنَّا الظَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ

و من همان رانده شده‌ای هستم

که پناهِش بخشیدی.

۱۵- راستی، من باید حیا کنم ، یا تو؟

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ

خدایا، من کسی هستم که در خلوت،

از تو حیا نداشتم

وَلَمْ أُرَاقِبَكَ فِي الْمَلَأِ

و در حضور دیگران نیز ملاحظه تو را نکردم

أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى

من به مشکلات و مصیبت‌های بزرگی گرفتار هستم

أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى

من همان کسی هستم که در حضور سرورش،

گستاخی کرد

أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ

من همان کسی هستم

که از فرمانروای بزرگ آسمان نافرمانی کردم

أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ

عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرَّشَا

من همان کسی هستم

که برای نافرمانیِ خدای بزرگ،

هزینه فوق‌العاده پرداختم

(تا راه انجام گناه را هموار کنم)

و قوانین الهی را بشکنم)

أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا

خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى

من همان کسی هستم که

وقتی به من خبر می‌دادند

فرصتی برای گناه پیش آمده،

با شتاب از آن استقبال می‌کردم

أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي

فَمَا ارْعَوَيْتُ

من همان کسی هستم که مهلتم دادی،

اما به خود نیامدم و از گناه دست برنداشتم

وَسَتَرْتَ عَلَيَّ

فَمَا اسْتَحْيَيْتُ

و خطای مرا پوشانیدی، ولی شرم نکردم

وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي

فَتَعَدَّيْتُ

و مرتکب گناهان شدم و در آن زیاده‌روی کردم

وَأَسْقَطَنِي مِنْ عَيْنِكَ

فَمَا بَالَيْتُ

و به من بی توجهی کردی (و پاسخم را ندادی)

ولی اعتنا نکردم

فَجَلِمِكَ أَمَهَلْتَنِي

ولی تو با بردباری‌ات به من مهلت دادی

وَبِسِتْرِكَ سَتَّرْتَنِي

و با پرده‌پوشی‌ات مرا پوشاندی

حَتَّى كَانَتْكَ أَغْفَلْتَنِي

تا جایی که به نظر می‌رسید

از من غافل شده‌ای

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي

و مرا از مجازات گناهانم،

دور کرده‌ای و معاف ساخته‌ای

حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيَيْتَنِي

گویی به جای حیا کردن من،

تو از من حیا می‌کردی.

إِلٰهِ

خدایا،

لَمْ أَعِصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ

وَ أَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاهِدٌ

زمانی که در برابر تو نافرمانی کردم،

نمی خواستم خدایی تو را نادیده بگیرم

وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ

و نمی خواستم فرمان تو را سبک بشمارم

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ

و نمی خواستم با گستاخی، در برابر کیفیت بایستم

وَلَا لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ

و نمی خواستم به تهدیدت بی توجهی کنم

لَكِن خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ

ولی گناهی از من سرزد

وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

و هوای نفسم، مرا تشویق کرد

و غَلَبَنِي هَوَايَ

و هوسم بر من مسلط شد

وَاعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي

و بدبختی من به آن کمک کرد

وَغَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ

و پرده‌ای که بر روی زشتی‌هایم کشیده بودی، مرا فریب داد

فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجُهْدِي .

و در نهایت، با تمام توانم،

در برابر تو نافرمانی و مخالفت کردم.

۱۶- افسوس که اعمالم، آبرویم را نزد تو برده

فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ

مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي

اکنون، چه کسی از عذاب تو نجاتم می دهد؟

وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا

مَنْ يُخَلِّصُنِي

و چه کسی فردای قیامت،

از دست دشمنان (و طلبکارانِ حق الناس) رهایم می کند؟

وَبِحَبْلِ مَنْ اتَّصِلُ

إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي

و اگر تو پیوندت را با من قطع کنی،

از ارتباط با چه کسی کمک بگیرم؟

فَوَا سَوَاتَا عَلٰی مَا أَحْصٰی كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي ،

پس وای بر رسوایی من ،

به خاطر کارهایی که نامه عمل من در نزد تو ،

آنها را ثبت کرده است

الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ

وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ

وَنَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ ،

لَقَنْطُتُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا

همان اعمالی که (مایه شرمندگی است و)

اگر به بزرگواری ات امیدوار نبودم

و به رحمت گسترده ات اطمینان نداشتم

و من گنهکار را از ناامیدی باز نداشته بودی ،

هر بار که به یاد آنها می افتادم ، واقعاً ناامید می شدم.

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

ای بهترین کسی که دعاکنندگان، او را صدا می‌زنند

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و ای والاترین کسی که امیدواران، به او امید می‌بندند.

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

خدایا،

من با تعهدم به اسلام

و تسلیم در برابر تو،

به تو پناه می‌آورم

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ

و با پذیرش حرمت و اعتبار قرآن (که کلام توست)

به تو تکیه می‌کنم

وَبِحُبِّي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

و به خاطر علاقه‌ام به پیامبرِ اُمّی

الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ

که نژاد او قریشی، هاشمی و عربی است

التِّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ

و اهل سرزمین تیهامه، مکه و مدینه است،

أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

امیدوارم به درگاه تو نزدیک شوم

فَلَا تَوْحِشْ اسْتِيْنَاسَ اِيْمَانِي

از این رو آرامشی را که با ایمان به دست آورده‌ام،

(از من نگیر و آن را)

به وحشت و نگرانی تبدیل نکن

وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ

و جزای مرا مانند جزای کسانی قرار نده که غیر تو را می‌پرستند

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنْتِهِمْ

لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ

زیرا گروهی (همچون افراد دورو و منافق)،

فقط در حدّ زبان، ایمان آوردند،

تا بدین وسیله جان خود را حفظ کنند

فَادْرِكُوا مَا آمَلُوا

و آنها (با زنده ماندن) به آرزوی خود رسیدند

وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالسِّنْتِنَا وَقُلُوبِنَا

لِتَعْفُو عَنَّا

ولی ما با زبان‌ها و دل‌هایمان به تو ایمان آورده‌ایم،

تا از ما گذشت کنی

فَادْرِكْنَا مَا آمَلْنَا

پس ما را به آرزویمان (که عفو و بخشش توست) برسان

وَتَثَبَّتْ رِجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا

و امید به لطفت را

در سینه‌های ما ثابت نگه‌دار

وَلَا تُزِعْ قُلُوبَنَا

بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

و بعد از آن که ما را هدایت کردی،

اجازه نده دل‌های ما منحرف شود

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

و رحمت خود را شامل حال ما کن

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .

زیرا تو بسیار بخشنده‌ای.

۱۷- غیر از درگاه تو، کجا می‌توانم بروم؟

فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي

اینک به عزّت خودت سوگند، اگر مرا طرد کنی و برانی،

مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

به هیچ وجه، از درگاهت دور نمی‌شوم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از تعریف و تمجید صفات زیبای تو، دست برنمی‌دارم

لِمَا أَلْهَمَ قَلْبِي

مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ

وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ .

و این به خاطر معرفت و شناختی است

که درباره بزرگواری و رحمت گسترده تو

به قلبم الهام شده

إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ

آری، بنده ناچیز، نزد چه کسی برود،

إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ؟

مگر به نزد صاحبش؟

وَالِى مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ

و آفریده محتاج به کجا پناه ببرد،

إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ؟

مگر به درگاه آفریدگارش؟

إِلٰهِ لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ

خدایا، اگر مرا به غُل و زنجیر بکشی

وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ

و در مقابل چشم همگان،

مرا از بخشش هایت محروم کنی

وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ فُضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ

و در نظر بندگان رسوایم سازی

وَأَمَرْتَنِي إِلَى النَّارِ

و دستور دهی که مرا به سوی آتش جهنم ببرند

وَحُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ،

و بین من و نیکان جدایی بیندازی،

مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ

با وجود همه اینها،

هرگز امیدم را از تو قطع نمی‌کنم

وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي

لِلْعَفْوِ عَنْكَ

و آرزویم را نسبت به لطف و گذشت تو،

از دست نمی‌دهم

وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي

و محبت تو از دلم بیرون نمی‌رود.

أَنَا لَا أُنْسِي

أَيَادِيكَ عِنْدِي

وَسَتْرِكَ عَلَيَّ

فِي دَارِ الدُّنْيَا

آری، من هرگز فراموش نمی‌کنم

که در این زندگی دنیا

چقدر برای نعمت دادن به من،

دست و دل باز بوده‌ای

و چه پرده‌پوشی‌هایی کرده‌ای.

سَيِّدِي

آقای من،

أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي

علاقه و دلبستگی به دنیا را از دلم بیرون کن

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ

و مرا با مصطفی و خاندانش همنشین کن

خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

یعنی همان برگزیدگان و بهترین مخلوقات تو

وَخَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ

و خاتم پیامبران، حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

که درود خدا بر او و خاندانش باد

وَانْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ .

و مرا به درجه و مقام توبه برسان (تا به سویت باز گردم).

۱۸- چرا به حالِ خودم گریه نکنم؟

وَاعْتَنِي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي

خدایا، مرا یاری کن

تا به حالِ خویش گریه کنم

فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالْتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي

زیرا من با امروز و فردا کردن

و با آرزوهای طولانی،

عمرم را تلف کرده‌ام

وَ قَدْ نَزَلْتُ

مَنْزِلَةَ الْإِسِينِ مِنْ خَيْرِي

و به جایی رسیده‌ام

که از اصلاح و درست شدن خود،

ناامید شده‌ام

فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي

إِن أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي

اکنون کیست

که حال و روزش بدتر از من باشد؟

اگر با همین وضعی که دارم،

به سوی قبر منتقل شوم،

لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقَدَتِي

در شرایطی که آن را برای خوابِ ابدی خویش

آماده نکرده‌ام

وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ

لِضَجَعَتِي

و با کارهای شایسته، آن را برای آرمیدنِ خود

مهیا نساخته‌ام.

وَمَا لِي لَا أَبْكِي؟

آخر چرا گریه نکنم؟

وَلَا أَدْرِي إِلَىٰ مَا يَكُونُ مَصِيرِي

در حالی که نمی دانم چه سرانجامی دارم

وَأَرَىٰ نَفْسِي تُخَادِعُنِي

و اکنون می بینم که نفسم به من نیرنگ می زند

وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي

و تکرار روزهای عمرم،

(مرا مغرور و بدعادت کرده و) فریبم می دهد

وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي

أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

و مرگ بالای سرم بال می زند

و اجل دور سرم می چرخد.

فَمَا لِي لَا أَبْكِي؟

پس چرا گریه نکنم؟

أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي

باید برای وقتی گریه کنم

که جان از بدنم خارج می‌شود

أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي

گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم

أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي

گریه می‌کنم برای تنگی قبرم

أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ أَيَّامِي

گریه می‌کنم برای وقتی که

مأموران حسابرسی برزخ

از من بازخواست می‌کنند

أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي

عُرْيَانًا ذَلِيلًا

حَامِلًا ثَقَلِي عَلَى ظَهْرِي

گریه می‌کنم برای آن زمان

که از قبر بیرون می‌آیم

در حالی که برهنه و ذلیلم

و کوله بار سنگین گناهم را

بر پشت خود حمل می‌کنم

أَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي

وَأُخْرَى عَنِ شِمَالِي

و با سرگردانی،

گاهی به راست

و گاهی به چپ نگاه می‌کنم

إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي

در آن هنگام که مردم، به فکر مشکلات من نیستند

لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

و هرکدام از آنها،

در چنین روزی، گرفتاری خاص خود را دارد

که او را مشغول می‌کند.

وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ

بعضی چهره‌ها در آن روز، درخشان و نورانی هستند

ضاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ

و خندان و شادمان‌اند

و وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ

و برخی چهره‌ها در آن روز، غمگین و گرفته هستند

تَرَهَقُهَا قَتِرَةٌ وَاذَلَّةٌ .

و روسیاهی و خواری آنها را فرا گرفته است.

سَیِّدِی

سرورم،

عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي

تکیه گاه، اعتماد، امید و توکلم به لطف توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

و به رحمت تو وابسته ام

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ

تو رحمت خویش را شامل حال هرکه بخواهی، می کنی

وَتَهْدِي بِكِرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ

و هرکه را دوست داری، با بزرگواری خود هدایت می کنی

فَلَكَ الْحَمْدُ

عَلَى مَا نَقَّيْتُ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي

تورا سپاس می‌گویم که دلم را از شرک پاک کردی

وَلَكَ الْحَمْدُ

عَلَى بَسْطِ لِسَانِي

و ستایشت می‌کنم،

که زبانم را به گفتار و سخن گشودی

أَفِيلِسَانِي هَذَا الْكَلِّ أَشْكُرُكَ

اما آیا می‌شود با این زبان گنگ و نارسا،

تورا ستایش کنم؟

أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ

و اگر در رفتار خود، حداکثر تلاشم را به کار گیرم،

آیا می‌توانم تورا خشنود سازم؟

وَمَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ

فِي جَنْبِ شُكْرِكَ

و ای مالک و صاحب من، واقعاً زبان و کلام ضعیفم،

برای شکرگزاری از تو، چه ارزشی دارد؟

وَمَا قَدَرُ عَمَلِي

فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَ إِحْسَانِكَ

و رفتار من در برابر نعمت‌ها و نیکی‌های تو،

چه وزن و قیمتی دارد؟

إِلٰهِ

خداوندا،

إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي

واقعاً بخشش‌های تو، آرزویم را بیشتر کرده

وَ شُكْرِكَ قَبِلَ عَمَلِي .

و قدردانی تو از اعمال من (که همگی ناقص‌اند)،

قبولی آنها را به همراه دارد.

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغَبْتِي

سرورم، اشتیاقی من به لطفِ توست

وَإِلَيْكَ رَهَبْتِي

و هراسی من از خشمِ توست

وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي

و چشمِ امیدِ من به دستِ توست

وَ قَدْ سَأَقْنِي إِلَيْكَ أَمَلِي

و آرزویم مرا به سمتِ تو کشانده است

وَ عَلَيَّكَ يَا وَاحِدِي عَاكَفْتِ هِمَّتِي

و ای یگانه من،

سعی و توجّهم به سوی تو متمرکز شده

(و راهی نمی بینم مگر اینکه دست به دامنِ تو شوم)

وَ فِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتَ رَغَبْتِي

و اشتیاقم به نعمت و پاداش تو افزون شده

وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

و همه امیدم به توست

و همه ترسم از تو می باشد

وَبِكَ أَنْسَتُ مَحَبَّتِي

و عشق و محبتم با تو شکل گرفته

و به تو عادت کرده

وَأِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي

و دست نیاز به درگاه تو دراز کرده ام

وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي .

و با نگرانی از سقوط، ریسمان اطاعت تو را گرفته

و به آن پناه آورده ام

(تا مرا از چاه گناهان نجات دهد)

(و امید دارم اطاعت از تو، مانند طنابی، مرا از چاه خطاهایم بیرون بکشد

و همچنین نگرانم که به خاطر نافرمانی، دوباره در آن چاه سقوط کنم.)

۲۰- وای از روزی که ذهن و زبانم از کار می افتد

مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي

سرورم، با یاد تو، دلم زنده می شود

وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي

و با مناجات تو، قلبم را آرام می کنم

و ترس و اضطراب را از خود دور می سازم

فَيَا مَوْلَايَ

پس ای مولای من،

وَيَا مُؤَمِّلِي

و ای امید من،

وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي

و ای بالاترین و تنها خواسته ام،

فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ ذُنُوبِي الْمَانِعِ لِي

مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ

میان من و گناهم که مانع اطاعت از تو می شود،

جدایی بینداز

فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ

و این درخواستم،

بر اساس امیدی است که از گذشته به تو دارم

وَ عَظِيمِ الرَّطْمِ مِنْكَ

و به خاطر طمع بزرگی است که به لطفت بسته ام

الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَي نَفْسِكَ

مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ

یعنی طمع به آن محبت و رحمتی

که در حقّ بندگان بر خود واجب کرده ای

فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدَّكَ

آری، فرمان، فقط فرمان توست
و هرچه تو بخواهی، همان می‌شود

لَا شَرِيكَ لَكَ

هیچ کسی نمی‌تواند همتای تو باشد

وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ

وَفِي قَبْضَتِكَ

و تمام آفریدگان، خانواده و روزی‌خوارِ تو
و در دستِ قدرتِ تو هستند

وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ

و همه چیز در برابرِ تو فرمان‌بردار است

تَبَارَكَتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

چقدر تو پربرکتی، ای صاحب و مالکِ جهانیان.

إِلٰهِ

خدایا،

إِرْحَمْنِي

به من رحم کن،

إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي

در آن زمان که به بن بست می‌رسم

و در پاسخگویی در مانده می‌شوم

وَ كَلَّ عَن جَوَابِكَ لِسَانِي

و زبانم برای پاسخگویی، بند می‌آید

وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي

و برای جواب دادن به بازخواست تو،

عقل و هوشم از کار می‌افتد

(آری، در تمام این لحظات سخت، به من رحم کن).

فَاِذَا عَظِيْمَ رَجَائِي

اکنون ای امیدِ بزرگم،

لَا تُخَيِّبْنِي

اِذَا اشْتَدَّتْ فَاَقْتِي

در آن هنگام که سخت نیازمندم،

نامیدم نکن

وَلَا تُرُدَّنِي لِجَهْلِي

و به خاطر نادانی ام،

مرا از درگاهت بیرون نکن

وَلَا تَمْنَعْنِي

لِقِلَّةِ صَبْرِي

و به خاطر کم طاقتی ام،

لطفت را از من دریغ نکن

أَعْطِنِي لِفَقْرِي

مرا از بخشش خویش، بهره‌مند ساز

که نیازمندم

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي .

و به من رحم کن

که ضعیف و ناتوانم.

۲۱- امیدم را دربارهٔ احسان و نیکی‌ات، ناامید نکن

سَیِّدِی

سَرورِ مِن،

عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَ مُعَوَّلِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكَّلِي

اعتماد، تکیه‌گاه، امید و توکلم به لطف توست

وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

و به رحمت تو وابسته‌ام

وَ بِفِنَائِكَ أَحْضُرِحَلِي

و در آستانِ لطفِ تو آرامش گرفته

و اقامت می‌گزینم

وَ بِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي

و به امیدِ بخششت،

خواسته‌ام را دنبال می‌کنم

وَ بَکْرَمِکَ اَی رَبِّ

اَسْتَفْتِحُ دُعَائِی

و بر اساس بزرگواری و کرمّت،

ای صاحب اختیارم،

دست به دعا برداشته‌ام

وَ لَدَیْکَ اَرْجُو فَاقَتِی

و امیدوارم که در پیشگاه تو،

گرفتاری و نیازم برطرف شود

وَ بَیْغِنَاکَ اَجْبُرْ عَیْلَتِی

و می‌خواهم فقرِ خویش را

به کمکِ ثروت تو، جبران کنم

وَ تَحْتَ ظِلِّ عَفْوِکَ قِیَامِی

و زیر سایهٔ عفو و گذشتِ تو ایستاده‌ام

وَإِلَىٰ جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي

و نگاه من ، به بخشش و بزرگواری توست

وَإِلَىٰ مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي

و به نیکی تو چشم دوخته‌ام

فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ

بنابراین مرا با آتش نسوزان

وَ أَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي

زیرا تو تنها امید من هستی

(و جز تو پناهی ندارم)

وَلَا تُسْكِنِي الْهَٰوِيَةَ

و منزلگاه مرا در جهنم قرار نده

فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي

زیرا تو تنها دلخوشی من هستی.

یا سَیِّدِی

لَا تُكْذِبْ ظَنِّي

بِإِحْسَانِكَ وَ مَعْرِوفِكَ

سرورم،

(من به لطف تو دل بسته‌ام)

اجازه نده گمان من درباره احسان و نیکی ات،

اشتباه باشد

فَإِنَّكَ ثِقَّتِي

زیرا من به لطف تو اعتماد دارم

وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ

و مرا از پاداش نیک خود محروم نکن

فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي .

زیرا تو از نیازم آگاه هستی.

إِلٰهِ

إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي

خداوندا،

اگر مرگ من نزدیک شده

وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي

ولی رفتارم باعث نزدیکی من با تو نشده،

فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي

وَسَائِلَ عِلِّي .

من با اعتراف به گناهم

و عذرخواهی به درگاهت،

می خواهم مشکل خود را حل کنم.

إِلٰهِ

إِنْ عَفَوْتَ

فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِالْعَفْوِ

خدایا،

اگر گذشت کنی،

چه کسی برای گذشت کردن،

از تو شایسته‌تر است؟

وَإِنْ عَدَّبْتَ

فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ

و اگر مجازات کنی،

چه کسی در قضاوت

از تو عادل‌تر است؟

إِرْحَمَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي

به غریب بودنم در این دنیا، رحم کن

وَ عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي

و نیز به اندوه و غصه‌ام، در هنگامه مرگ،

وَ فِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي

و به تنهایی‌ام، در فضای تاریک قبر،

وَ فِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي

و به ترس و وحشتم، در زیر خاک،

وَ إِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ

ذُلٌّ مَوْقِفِي .

و همچنین به ذلّت و درماندگی من،

در هنگامه حسابرسی در پیشگاهت،

رحم کن.

۲۲- به چیزی غیر از بخشش تو امید ندارم

وَ اَغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْاَدْمِيْنَ مِنْ عَمَلِي

خداوندا،

آن رفتارهایی را که از چشم مردم پنهان بوده، ببامرز

وَ اَدِمْ لِي مَا بِهِيَ سَتْرَتْنِي

و همواره این پرده‌پوشی و آبروداری را ادامه بده.

وَ اَرْحَمْنِي صَرِيْعًا عَلَيَّ الْفِرَاشِ

و بر من رحم کن،

در آن هنگام که در بستر مرگ افتاده‌ام

تُقَلِّبُنِي اَيْدِي اَحِبَّتِي

و با دستِ نزدیکان و دوستانم،

به این طرف و آن طرف جابجا می‌شوم

وَتَفَضَّلَ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَيَّ الْمُغْتَسِلِ

و بر من لطف و عنایت فرما،

در آن هنگام که مرا در محلّ غسل خوابانده‌اند

يُقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي

و همسایگانِ شایسته‌ام

مرا به چپ و راست می‌چرخانند

(تا جنازه‌ام را غسل دهند)

وَتَحَنَّنَ عَلَيَّ مَحْمُولًا

و با من مهربانی فرما،

وقتی بر روی دست‌ها حمل می‌شوم،

قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي

در آن زمان که خویشانم برای تشییع،

چهار گوشه جنازه‌ام را بر دوش گرفته‌اند

وَجُدَّ عَلَيَّ مَنقُولًا

و بر من بخشش کن، وقتی (به سوی قبر) منتقل می شوم،

قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي

و تک و تنها، در گودال قبر، به پیشگاه تو وارد می شوم،

وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي

و در آن خانه جدید، به غریب بودن من ترحم فرما

حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ

تا با کسی جز تو مأنوس نشوم

(و گرفتار مأموران عذاب نگردم)

يَا سَيِّدِي

آری، ای سرورم،

إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكَتُ.

اگر مرا به خودم واگذار کنی، بدبخت می شوم.

سَيِّدِي

خدای من،

فَيَمَنَ اسْتَغِيثُ

إِن لَّمْ تُقِلْنِي عَشْرَتِي؟

راستی، اگر تو لغزشم را نادیده نگیری،

به چه کسی پناه ببرم؟

فَالِي مَنَ أَفْرَعُ

إِن فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي؟

و اگر لطف تو را در آرامگاهم از دست بدهم،

از چه کسی یاری بخواهم؟

وَإِلَى مَنَ أَلْتَجِيُّ

إِن لَّمْ تُنْفِسْ كُرْبَتِي؟

و اگر تو اندوه و غصه‌ام را برطرف نسازی،

دست به دامان چه کسی شوم؟

سَیِّدِی

سرورم،

مَنْ لِي؟

وَمَنْ يَرْحَمُنِي؟

إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي

اگر تو به من رحم نکنی،

چه کسی را دارم؟

و چه کسی به من رحم می‌کند؟

وَفَضَلَ مَنْ أُوْمَلُّ؟

إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي

و اگر در آن روز نیاز و گرفتاری،

لطف تو را از دست بدهم،

به لطف چه کسی دلگرم باشم؟

وَإِلَىٰ مَنِ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ؟

إِذَا انْقَضَىٰ أَجَلِي

و در آن هنگام که عمرم به پایان می‌رسد،

از شرّ گناهانم،

به سوی چه کسی فرار کنم؟

سَيِّدِي

بنابراین، ای سرورم،

لَا تُعَذِّبْنِي

وَ أَنَا أَرْجُوكَ

اکنون که این همه امید به تو دارم،

مرا عذاب نکن

(و نگذار امیدم ناامید شود).

إِلَهِي

خدایا،

حَقِّقْ رَجَائِي

امیدم را برآورده ساز

وَأَمِّنْ خَوْفِي

و ترسم را به آرامش تبدیل کن

فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي

لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ.

زیرا در برابر این گناهانم فراوانم،

به چیزی جز گذشت و بخشش تو

امید ندارم.

۲۳- تو بالاتر از تصور ما هستی

سَیِّدِی

سرورم،

أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ

من از تو چیزی درخواست می‌کنم

که شایسته آن نیستم

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

اما تو شایسته هستی

که حرمتت را رعایت کنیم

و شأنی تو آمرزش است

فَاغْفِرْ لِي

پس مرا ببامرز

وَالْبِسْنِي مِّنْ نَّظَرِكَ ثَوْبًا

و لباسی از لطف خودت بر تنم بیوشان

يُعْطَى عَلَيَّ التَّيْبَعَاتِ

به طوری که آثار و نتایج گناهام را مخفی کند

وَتَغْفِرْهُا لِي

و آنها را برایم بیامری

وَلَا أُطَالِبُ بِهَا

و دیگر به خاطر آنها مورد بازخواست قرار نگیرم

إِنَّكَ ذُو مَنِّ قَدِيمٍ

به راستی سابقه لطف تو زیاد است

وَصَفْحٍ عَظِيمٍ

و چشم‌پوشی تو بزرگ است

وَتَجَاوُزٍ كَرِيمٍ .

و گذشت و بخشش همراه با بزرگواری است.

إِلَهِي

خدایا،

أَنْتَ الَّذِي

تُفِيضُ سَيْبَكَ

عَلَى مَنْ لَا يَسْأَلُكَ

وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

تو کسی هستی

که باران لطف خود را،

حتی بر کسانی که درخواستی از تو ندارند

و کسانی که خدایی تو را انکار می کنند،

نازل می کنی

فَكَيْفَ سَيِّدِي

بِمَنْ سَأَلَكَ

وَ أَيْقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ

وَ الْأَمْرَ إِلَيْكَ

پس چگونه ممکن است، ای سرورم،

لطفت شامل آن کسی نشود

که از تو درخواست می‌کند

و یقین دارد که آفرینش به تو تعلق دارد

و امور جهان در دست توست؟

تَبَارَكَتَ وَ تَعَالَيْتَ

پربرکت و بزرگی

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ای صاحب و مالکِ جهانیان.

سَيِّدِي

سرورم،

عَبْدُكَ بِبَابِكَ

بندهات به در خانهات آمده

أَقَامَتُهُ الْخِصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ

و نیاز شدیدش باعث شده

که با درماندگی

در پیشگاه تو بایستد

يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

به وسیله دعایش،

در خانه لطف و احسانِ تو را بکوبد

فَلَا تُعْرِضِ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي

پس روی خوشت را از من دریغ نکن

وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ

و آنچه را می گویم، از من بپذیر

فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ

زیرا من با این دعا تو را صدا زدم

وَ أَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي

مَعْرِفَةً مِنِّي

بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

و با توجه به شناختی که از مهربانی و دلسوزی تو دارم،

امیدوارم مرا بی جواب نگذاری

و دست خالی برنگردانی

إِلٰهِي

خدایا،

أَنْتَ الَّذِي لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ

تو کسی هستی

که درخواستِ بیچارگان،

تو را درمانده نمی‌کند

وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ

و هرچه ببخشی،

از توانایی و ثروتِ تو کاسته نمی‌شود

أَنْتَ كَمَا تَقُولُ

تو همان گونه هستی که خود می‌گویی

وَفَوْقَ مَا نَقُولُ .

و بالاتر از آنی که ما تصوّر می‌کنیم و می‌گوییم.

۲۴- من در برابر لطف بی‌کرانِ تو،

به اندک قانع نیستم!

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيْلًا

من از تو می‌خواهم که

صبری زیبا و نیکو داشته باشم

وَفَرَجًا قَرِيْبًا

و مشکلاتم به زودی حل شود

وَقَوْلًا صَادِقًا

و گفتارم راست و درست باشد

وَاَجْرًا عَظِيْمًا

و پاداشی بزرگ به دست بیاورم.

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ

خدایا،

من هرچه خیر و خوبی را که وجود دارد، از تو می خواهم

مَا عَلِمْتُ مِنْهُ

چه آن چیزهایی که از آنها خبر دارم

وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

و چه آن چیزهایی که خبر ندارم

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

خدایا،

من هر چیز خوبی را

که بندگان شایسته ات از تو درخواست می کنند،

از تو می خواهم

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ

ای بهترین کسی که بندگان از او درخواست می‌کنند

وَ أَجْوَدَ مَنْ أَعْطِيَ

و ای بخشنده‌ترین بخشنندگان

أَعْطِنِي سُؤْلِي

فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي

وَ وَالِدَيَّ وَ وُلْدِي

وَ أَهْلِي حُزْنَانْتِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ

آنچه را دربارهٔ خودم و خانواده‌ام،

پدر و مادر و فرزندانم،

و همچنین دوستان نزدیک و برادران دینی‌ام،

از تو می‌خواهم،

به من عطا کن

أَرْغِدْ عَيْشِي

به رزق و روزی ام برکت بده

وَ أَظْهِرْ مُرُوتِي

و روحیه جوانمردی را در وجودم چیره و نمایان کن

وَ أَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي

و زندگی مرا از هر نظر اصلاح کن

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَتْ عُمْرَهُ

و مرا از کسانی قرار ده که به آنها عمری طولانی بخشیده‌ای

وَ حَسَّنْتَ عَمَلَهُ

و به آنها توفیق رفتار پسندیده داده‌ای

وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ

و نعمت‌هایت را برای ایشان کامل کرده‌ای

وَ رَضِيتَ عَنْهُ

و از آنها خشنود گشته‌ای

وَ أَحْيَيْتَهُ وَ حَيَاةً طَيِّبَةً

فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ

وَ أَسْبَغَ الْكِرَامَةَ

وَ أَتَمَّ الْعَيْشَ

و چنان زندگی پاکیزه‌ای به ایشان بخشیده‌ای

که از شادی همیشگی

و بیشترین صفات نیک

و از روزی کامل، برخوردارند.

إِنَّكَ تَفَعَلُ مَا تَشَاءُ

آری، تو هرچه بخواهی انجام می‌دهی

وَ لَا يَفَعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ .

و کسی غیر از تو، چنین توانی ندارد.

۲۵- من همه حاجاتم را یکجا می خواهم!

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةٍ ذِكْرِكَ

مرا جزء نزدیکیان خاص خودت

که پیوسته به آنها توجه می کنی، قرار ده

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِّمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ

فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا

و اجازه نده آن اعمال خوبی که قرار است

به کمک آنها در ساعات شبانه روز به تو نزدیک شوم،

ابزاری برای خودنمایی، شهرت طلبی، فخر فروشی و غرور باشد.

وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ

و مرا از بندگان فروتن خود قرار ده

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ

خدایا، مرا برخوردار کن

از رزق و روزی فراوان

وَ الْاَمْنَ فِي الْوَطَنِ

و امنیت در وطن

وَ قَرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ

و دلخوشی از خانواده و مال و فرزند

وَ الْمَقَامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي

و دوام نعمت‌هایی که به من داده‌ای

وَ الصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ

و عافیت جسم

وَ الْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ

و نیرومندی بدن

وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ

و سلامت دین

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

و تا هر زمان که از زندگی برخوردارم می‌کنی،

مرا برای اطاعت از خودت

و اطاعت از پیامبرت، حضرت محمد،

که درود خدا بر او و خاندانش باد،

به خدمت بگیر

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْقَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا

و مرا از بندگانی قرار ده که بیشترین نصیب را نزد تو دارند،

فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ

در هر خیری که فرستاده‌ای

وَ تَنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

و هر خیری که در ماه رمضان و در شب قدر می‌فرستی

وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ

و هر خیری که در هر سال می‌فرستی

مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا

مانند هر رحمتی که به ما می‌رسانی

وَ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا

و لباس عافیتی که بر تن ما می‌پوشانی

وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا

و بلاهایی که از ما دور می‌کند

وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا

و کارهای خوبی که از ما می‌پذیری

وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا

و کارهای زشتی که از آنها گذشت می‌کند.

وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

همچنین خداوندا، حج خانه‌ات را روزی‌ام کن

فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

در این سال و نیز سال‌های آینده

وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ .

و از بخشش و فضل گسترده‌ات،

رزق و روزی فراوانی نصیب من کن.

۲۶- خدایا، همنشینی خوبان را می‌خواهم

وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ

و ای سرورم، بدی‌ها را از من دور ساز

وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَمَاتِ

و مواردی را که مدیون مردم هستم

و ستم‌هایی را که به مردم روا داشته‌ام، جبران کن

حَتَّى لَا آتَاذِي بِشَيْءٍ مِنْهُ

تا دیگر بابت هیچ یک از این موارد، در رنج نباشم

وَخُذْ عَنِّي

بِأَسْمَاعٍ وَآبْصَارٍ أَعْدَائِي

وَ حُسَّادِي وَ الْبَاغِينَ عَلَيَّ

و مرا از چشم و گوش کسانی که

در حق من دشمنی، حسادت یا تجاوز می‌کنند، حفظ کن

(و نگذار مرا تحت نظر داشته و برایم زحمت ایجاد کنند).

وَانصُرْنِي عَلَيْهِمْ

و مرا بر آنها پیروز کن

وَاقْرَأْ عَيْنِي

و چشم مرا روشن کن

وَفَرِّحْ قَلْبِي

و قلبم را شاد فرما

وَاجْعَلْ لِي

مِنْ هَمِّي وَغُرْبِي

فَرَجًا وَ مَخْرَجًا

و برای غم‌ها و مشکلاتم،

راه گشایش و نجات قرار ده

وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ

مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ

تَحْتَ قَدَمَيَّ

و مرا بر هر کسی که

قصد بدی نسبت به من دارد،

مسلط کن

وَ اكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ

وَ شَرِّ السُّلْطَانِ

وَ سَيِّئَاتِ عَمَلِي

و مرا از شرّ شیطان

و شرّ حاکمان

و اعمال ناپسندم،

محافظت فرما

وَ طَهَّرَنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا

و مرا از تمام گناهان پاک کن

وَ أَجْرَنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

و با گذشتِ خویش،

از آتش دوزخ نجاتم ده

وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و با رحمتِ خویش،

وارد بهشتم کن

وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ

و با فضل و عنایتِ خویش،

از حوریان زیباچشم به ازدواج من در آور

وَ الْحَقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَبْرَارِ

الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

و مرا با دوستانِ شایسته‌ات همراه کن،

یعنی حضرت محمد و خاندان نیکویش

که پاک و پاکیزه و برگزیده‌اند

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِم

و درود و رحمت تو بر آنها باد

وَ عَلَى أَجْسَادِهِمْ وَ أَرْوَاحِهِمْ

و نیز بر بدن‌ها و ارواح مطهرشان

وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتِهِ.

و رحمت و برکات الهی بر آنها باد.

۲۷- برای روز حساب چه پاسخی آماده کرده‌ام؟

إِلٰهِ

وَسَيِّدِي

خدای من

و سرور من،

وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ

به عزّت و جلال تو سوگند،

لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي

لَأُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

که اگر تو از گناهان من بازخواست کنی،

من هم سراغ عفو و گذشت تو را می‌گیرم

وَلَيْنِ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي

لَأُطَالِبَنَّكَ بِكِرْمِكَ

و اگر از پستی و حق ناشناسی من بازخواست کنی،

من هم بزرگواری تو را جويا می شوم

وَلَيْنِ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ

لَأُخِيرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ

و اگر مرا وارد جهنم کنی،

به اهل جهنم می گویم

که چقدر به تو عشق می ورزم.

إِلَهِي وَسَيِّدِي

خدای من و سرور من،

إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ

إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ

راستی، اگر قرار است تو غیر از دوستان و پیروانت،

هیچ کسی را نیامرزی،

فَالِي مَنْ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ؟

پس گنهکاران به درگاه چه کسی پناه ببرند؟

وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ

إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ

و اگر قرار است بزرگواری و لطف تو،

فقط شامل حال بندگانی وفادارت شود،

فِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ؟

پس بدکاران از چه کسی کمک بخواهند؟

خدایا،

إِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ

فَفِي ذَلِكَ سُورٌ عَدُوِّكَ

اگر مرا به دوزخ ببری،

این کار، دشمن تو را خوشحال می‌کند

وَإِنْ أَدَخَلْتَنِي الْجَنَّةَ

فَفِي ذَلِكَ سُورٌ نَبِيِّكَ

و اگر مرا در بهشت جای دهی،

این کار، پیامبرت را خشنود می‌کند

وَ أَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُورَ نَبِيِّكَ

أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورِ عَدُوِّكَ

و سوگند به خدا، من می‌دانم

که تو شادی پیامبرت را بر شادی دشمنت ترجیح می‌دهی.

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

اِنِّىْ اَسْأَلُكَ اَنْ تَمَلِّا قَلْبِىْ حُبًّا لِّكَ

من از تو می‌خواهم که دلم را پر کنی از محبت به خودت

وَ خَشِيَّةً مِّنْكَ

و ترس در برابر خودت

وَ تَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ

و باور به کتابت

وَ اِيْمَانًا بِكَ

و ایمان به خودت

وَ فَرَقًا مِّنْكَ

و هراس از خودت

وَ شَوْقًا اِلَيْكَ

و شوق و محبت به خودت

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای صاحب شکوه و بزرگواری

حَبِّبِ إِلَيَّ لِقَاءَكَ

مرا عاشق دیدارت کن

وَ أَحِبِّ لِقَائِي

و خودت نیز دوستدار دیدار من باش

وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ

الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ.

و آرامش و گشایش و عزت مرا

در دیدار خودت قرار بده.

۲۸- ایمانی می‌خواهم که پایانش دیدار تو باشد

اَللّٰهُمَّ

خدایا،

اَلْحِقْنِيْ بِصَالِحٍ مِّنْ مَّضِيٍّ

مرا با شایستگانی که از میان ما رفته‌اند،

همنشین کن

وَاجْعَلْنِيْ مِّنْ صَالِحٍ مِّنْ بَقِيٍّ

و مرا جزء شایستگانی که باقی مانده‌اند،

قرار ده

وَخُذْ بِي سَبِيْلِ الصّٰلِحِيْنَ

و مرا به راه صالحان هدایت کن

وَاعِنِّي عَلَى نَفْسِي

بِمَا تُعِينُنِي بِهِ الصَّالِحِينَ

عَلَى أَنْفُسِهِمْ

و به من کمک کن

تا خود را مهار کنم

همان طور که به اشخاص شایسته و موفق کمک می‌کنی

وَ اخْتِمِ عَمَلِي بِأَحْسَنِهَا

و عاقبتم را به نیکی پایان ده

وَ اجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و با رحمت خویش،

پاداشم را،

بهشت قرار ده

وَاعِنِّي عَلَىٰ صَالِحٍ مَا آعَظَيْتَنِي

و کمکم کن

تا از بهترین امکاناتی که به من داده‌ای،

استفاده کنم

وَثِّبْتَنِي يَا رَبِّ

و پروردگارا،

مرا در این مسیر، پایدار کن

وَلَا تَرُدَّنِي فِي سَوْءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ*

و مرا به بدی‌هایی که قبلاً از آنها نجاتم داده‌ای، باز نگردان

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ای پروردگار جهانیان.

* سَوْءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي ← سَوْءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ اِیْمَانًا

لَا اَجَلَ لَهُ دُوْنَ لِقَائِكَ

من از تو ایمانی می خواهم

که پایان آن، چیزی جز لحظه دیدار تو نباشد

اَحِیْنِیْ مَا اَحِیَّتَنِیْ عَلَیْهِ

مرا تا وقتی زنده‌ام، از این ایمان برخوردار کن

وَ تَوَقَّئْنِیْ اِذَا تَوَقَّیْتَنِیْ عَلَیْهِ

و زمانی که جانم را می‌گیری، مرا با این ایمان بمیران

وَ اَبْعَثْنِیْ اِذَا بَعَثْتَنِیْ عَلَیْهِ

و وقتی در قیامت زنده‌ام می‌کنی، مرا با همان باور زنده کن.

وَ أَبْرِي قَلْبِي

مِنَ الرَّيَاءِ

وَ الشُّكِّ

وَ السُّمْعَةِ فِي دِينِكَ

و دلم را

از ریاکاری

و شک و تردید

و شهرت طلبی در دینت،

پاک گردان.

حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي

خَالِصًا لَكَ

تا عملم، به طور خالص برای تو باشد.

اللَّهُمَّ

خداوندا،

أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ

به من عطا کن

شناختی درست و روشن برای درک دینت،

وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ

و نیز معرفتی برای فهمیدن فرمان‌هایت

وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ

و درکی برای پذیرش علمت

وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

و سهمی دوچندان از رحمتت

وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ

و به من چنان وارستگی و تقوایی عطا کن

که همواره مرا از نافرمانی تو باز دارد

وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ

و با نور خودت،

چهره‌ام را نورانی کن

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

و مرا نسبت به آنچه در نزد توست،

مشتاق کن

وَتَوَقَّئِي فِي سَبِيلِكَ

و مرگ مرا در راه خودت قرار ده

وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِكَ

در حالی که پیرو آیین پیامبرت باشم

صَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

که درود خداوند بر او و خاندانش باد.

۲۹- خدایا، از همهٔ بدی‌ها به تو پناه می‌برم

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ

خداوندا، به تو پناه می‌برم

مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشْلِ

از شرّ بی‌حالی، سستی،

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ

اندوه، ترس، بخل و تنگ‌نظری،

وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ

غفلت، سنگدلی و بی‌تفاوتی، بیچارگی،

وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ

فقر، تنگ‌دستی و هرگونه بلا،

وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ

و از زشتی‌های آشکار یا پنهان،

وَاعُوذُ بِكَ

مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ

و به تو پناه می برم

از نفسی که قانع نمی شود

وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ

و شکمی که سیر نمی شود

وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

و دلی که پذیرش ندارد

وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ

و دعایی که مورد توجه قرار نمی گیرد

وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

و کاری که سودی ندارد

وَاعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ

و همچنین خداوندا،

در پناه تو قرار می‌دهم

عَلَى نَفْسِي وَ دِينِي وَ مَالِي

خودم را و دینم را و مالم را

وَ عَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي

و هر آنچه به من روزی داده‌ای،

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

از شرّ شیطان رانده شده.

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

به راستی که تو شنوا و دانایی.

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

اِنَّهُ وَا لَا يُجِيرُنِيْ مِنْكَ اَحَدٌ

قطعاً کسی در مقابل خشم تو، به من پناه نمی دهد

وَا لَا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً

و هرگز پناهگاهی جز تو پیدا نمی کنم

فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِيْ فِيْ شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ

پس مجازات خودت را شاملِ حالم نکن

وَا لَا تَرُدَّنِيْ بِهَلَكَةٍ

و (بعد از اینکه با توبه از گناه نجاتم داده ای)

دوباره مرا به پرتگاهِ گناه بازنگردان

وَا لَا تَرُدَّنِيْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ .

و مرا به عذاب دردناک

(و دورانِ سختِ گناه) بازنگردان.

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

تَقَبَّلْ مِنِّي

(اعمال و دعاهايم را) از من بپذير

وَ اَعْلِ ذِكْرِي

و نام و ياد مرا، بلند و نيكو ساز

وَ اَرْفَعْ دَرَجَتِي

و رتبه و جايگاهم را بالا ببر

وَ حُطِّ وِزْرِي

و گناهم را بريز

وَ لَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي

و مرا به چشم خطاكار نگاه نكن

وَاجْعَلْ

ثَوَابَ مَجْلِسِي

وَ ثَوَابَ مَنْطِقِي

وَ ثَوَابَ دُعَائِي

رِضَاكَ

وَ الْجَنَّةَ

و پاداش این جلسه

و پاداش گفتارم

و پاداش دعایم را،

خشنودی خودت

و بهشت جاودان

قرار بده

وَاعْطِنِي يَا رَبِّ

جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

و همچنین ای پروردگارم،

هرچه را از تو درخواست کردم،

به من عطا کن

وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ

و از روی فضل و بزرگواری ات،

چیزی علاوه بر آن،

نصیب من فرما

إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ

زیرا من واقعاً مشتاق تو هستم

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ای پروردگار جهانیان.

۳۰- بالاخره بگو آیا مرا می‌بخشی؟

اَللّٰهُمَّ

خداوندا،

اِنَّكَ اَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ

تو در کتاب خود، قرآن، که برای ما فرستادی،

به ما فرمودی

اَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا

کسی را که به ما ستم کرده، ببخشیم

وَاقَدْ ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا

خداوندا، ما به خویشتن ستم کرده‌ایم

فَاعْفُ عَنَّا

پس ما را ببخش

فَاِنَّكَ اَوْلٰى بِذٰلِكَ مِنَّا

زیرا تو برای این کار از ما سزاوارتری

وَأَمَرْتَنَا

أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنِ أَبْوَابِنَا

و همچنین به ما دستور دادی

که درخواست کنندگان را

از در خانه هایمان رد نکنیم

وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا

و اکنون من با درخواست هایم

به در خانه تو آمده ام

فَلَا تَرُدَّنِي

إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي

پس تا وقتی حاجتم را برآورده نکرده ای،

مرا از در خانه ات بازنگردان

وَأَمَرْتَنَا

بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا

و همین طور به ما امر فرمودی

که به زبردستانِ خود احسان کنیم

وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ

و اکنون ما زبردستِ تو هستیم

فَاعْتِقْ رِقَابَنَا

مِنَ النَّارِ.

پس ما را از آتش دوزخ

(که البته نتیجه کارهای خودمان است)

آزاد کن.

يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي

ای پناه من در هنگام گرفتاری هایم،

و يَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي

و ای فریادرسم در هنگام سختی هایم،

إِلَيْكَ فَزِعْتُ

به درگاهت روی آورده‌ام

و بِكَ اسْتَعَثْتُ وَ لَذْتُ

و از تو کمک خواسته

و به تو پناه آورده‌ام

لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ

و هرگز به شخص دیگری پناه نخواهم برد

و لَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

و از کسی جز تو، گشایش و راه حل نمی خواهم

فَاعِثْنِي

پس به فریادم برس

وَفَرِّجْ عَنِّي

و مشکلم را حل کن

يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ

ای کسی که گرفتاران را آزاد می‌کند

وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ

و از گناهان فراوان، گذشت می‌کند

إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ

اعمالِ ناچیزم را بپذیر

وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ

و گناهانِ فراوانم را ببخش

إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ.

به راستی که تو مهربان و آمرزنده‌ای.

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ اِيْمَانًا

تُبَاثِرُ بِهِ قَلْبِى

خداوندا، از تو ایمانی می خواهم

که در قلبم قرارش دهی

وَيَقِيْنًا حَتّٰى اَعْلَمَ

اَنْهٗ وَلَنْ يُصِيْبَنِىْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِى

و یقینی می خواهم، تا با تمام وجود بدانم

که هیچ اتفاقی بدون اجازه تو برای من نمی افتد

وَرَضِيْنِىْ مِنَ الْعِيْشِ

بِمَا قَسَمْتَ لِى

و همچنین مرا با روزی هایی که نصیبم کرده ای، راضی کن

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

ای مهربان تر از همه مهربانان.